

بررسی پیش‌نیازهای کارکرد مؤثر سامانه متمرکز ثبت وثایق منقول در ارتقای مدیریت ریسک بانک‌ها و دسترسی به اعتبار^۱ دکتر زهرا خوشنود*

چکیده

هر چند همواره تأمین مالی وثیقه‌ای به‌عنوان راهکاری برای افزایش دسترسی به اعتبار بنگاه‌ها با اثر جانبی بهبود مدیریت ریسک در بانک‌ها شناخته شده است، اما الزاماً این نتایج در عمل حاصل نمی‌شوند. در این مقاله با تحلیل اجزای شاخص قدرت حقوق قانونی به‌عنوان مهم‌ترین جزء تشکیل‌دهنده شاخص دریافت اعتبار که ناظر بر زیرساخت‌های مقرراتی، سامانه‌ای و اجرایی چارچوب تأمین مالی وثیقه‌ای است، کاستی‌های موجود در این چارچوب مشتمل بر نبود سامانه ثبت وثایق منقول در ایران ارائه می‌شود. با این وجود، در ادامه با ارائه رویکردهای مختلف در ارزیابی این چارچوب و حتی برنامه پیشنهادی شرکت تأمین مالی بین‌المللی برای پیاده‌سازی چارچوب مناسب در کنار توجه به تجربه عملی کشورهای مختلف، ضرورت توجه به زیرساخت‌های دیگر در کنار سامانه جامع ثبت وثایق منقول به تصویر کشیده می‌شود. از این رو، کاستی موجود در هر یک از این زیرساخت‌ها و یا عدم برقراری ارتباط مناسب بین آنها، به عدم دستیابی به نتایج مورد انتظار از این روش تأمین مالی منجر خواهد شد و صرف وجود این سامانه هدف مورد انتظار را تأمین نخواهد کرد.

واژگان کلیدی: تأمین مالی وثیقه‌ای، وثایق منقول، سامانه ثبت وثایق.

طبقه‌بندی JEL: G21, K19, K40.

۱. این مقاله برگرفته از مطالعات جانبی انجام‌شده در طرح تحقیقاتی «طراحی مبانی و برنامه عملیاتی زیرساخت‌های مورد نیاز برای ارتقای جایگاه وثیقه‌سپاری اموال منقول و غیرمنقول در نظام بانکی ایران» است که در پژوهشکده پولی و بانکی انجام شده‌است.

۱. مقدمه

تأمین مالی وثیقه‌ای به پشتوانه اموال منقول از سال‌های میانی دهه نود مورد توجه مقررات‌گذاران بین‌المللی قرار گرفت. در این راستا، از یک سوی به دلیل ضرورت تأمین مالی بنگاه‌های با اندازه کوچک و متوسط و نقش مؤثر آنها در رشد اقتصادی و از سوی دیگر، حجم زیاد اموال منقول موجود در سبد دارایی آنها نسبت به اموال غیرمنقول در مقایسه با بنگاه‌های با اندازه بزرگ، توجه به گسترش دسترسی آنها به منابع مالی به پشتوانه اموال منقول مورد توجه قرار گرفت. در این راستا، حتی در تنظیم شاخص بین‌المللی دریافت اعتبار^۱ به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اجزای شکل‌دهنده شاخص سهولت انجام کسب‌وکار^۲، توانایی دسترسی به اعتبار به پشتوانه این نوع دارایی‌ها مورد استفاده قرار گرفت. هر چند در ایران نه تنها به دلیل عدم برخورداری از زیرساخت‌های لازم در استفاده کارا از این روش تأمین مالی، رتبه پایینی در این شاخص در طول سال‌های گذشته کسب شده، بلکه در صحنه بازار مالی داخلی نیز اثرات جانبی ناشی از عدم بهره‌مندی از این روش تأمین مالی به‌صورت ملموس و با گلايه هميشگي بنگاه‌ها در عدم دسترسی به اعتبار مشاهده می‌شود.

در این خصوص، توجه به این نکته ضروری است که دو طرف عرضه و تقاضای اعتبار در کشور به‌عنوان عوامل اقتصادی در یک بازار مالی بانک‌محور، از کمبود زیرساخت‌های لازم در این زمینه متضرر شده‌اند. بنگاه‌های کوچک و متوسط که دسترسی کمتری به بازار سرمایه داشته و از اموال غیرمنقول قابل وثیقه‌سپاری در بانک‌ها برخوردار نیستند، با مشکل عدم تأمین مالی مواجه می‌شوند و بانک‌ها نیز به دلیل نبود زیرساخت‌های لازم در ثبت حق وثیقه^۳ و اجرای آن در صورت نکول طرف مقابل، با مشکل تمرکز بر وام‌های اعطایی به شرکت‌های بزرگ و اتکا به حجم عظیمی از اموال غیرمنقول در بازافت مطالبات غیرجاری مواجه می‌شوند که این مسأله ریسک تمرکز در پرتفوی دارایی‌های آنها را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، آنها با درآمد از دست رفته اعطای وام به بنگاه‌های

-
1. Getting Credit.
 2. Ease of Doing Business.
 3. Security Interest.

برخوردار از اموال منقول مواجه شده و از این طریق نیز سود آنها کاهش می‌یابد و برای جبران این مسأله به فعالیت‌های دیگر مانند بنگاهداری سوق پیدا می‌کنند و از حجم فعالیت واسطه‌گری مالی خود خواهند کاست.

حال، برای برطرف کردن این شکاف و پررنگ‌تر کردن زمینه اتکا به اموال منقول در تأمین مالی و با صرف نگاهی گذرا به تجربه کشورهای دیگر، عموماً ضرورت وجود سامانه جامع ثبت وثایق به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان تأمین مالی وثیقه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرد که این مسأله نیز ریشه در چگونگی محاسبه شاخص دریافت اعتبار بر پایه شاخص قدرت حقوق قانونی^۱ دارد. در این راستا، حتی در ایران پس از پررنگ شدن ضرورت طراحی راهکارهایی برای ارتقای رتبه ایران در شاخص دریافت اعتبار، مقوله راه‌اندازی سامانه ثبت وثایق مطرح شد و شرکت مشاوره رتبه‌بندی اعتباری ایران در این زمینه آمادگی خود برای همکاری را نیز اعلام کرد.

این در حالی است که این سامانه صرفاً به‌عنوان جزئی از زیرساخت لازم برای ارتقای تأمین مالی وثیقه‌ای به‌پشتوانه اموال منقول شناخته می‌شود. بر این اساس، در این مقاله برای ارائه تصویر مناسب‌تر از حلقه‌های شکل‌دهنده این روش تأمین مالی، ابتدا بر نقش آن در مدیریت ریسک و سپس، در دسترسی به اعتبار متمرکز می‌شویم. در واقع، پس از بررسی ابعاد محدود و پررنگ نقش آن در دو طرف عرضه و تقاضای اعتبار، به بررسی حلقه‌های تشکیل‌دهنده زنجیره زیربنایی تأمین مالی وثیقه‌ای به‌پشتوانه اموال منقول پرداخته تا نگرش کلی‌تری نسبت به ابعاد زیربنایی این روش تأمین مالی شکل گیرد.

۲. تأمین مالی وثیقه‌ای و مدیریت ریسک بانکها

به دلیل وجود مشکل عدم تقارن اطلاعاتی بین بانکها و مشتریان و وجود ریسک نکول مشتری، عموماً بانکها در نهایی کردن تصمیم ارائه وام، به دریافت وثیقه از مشتری متوسل می‌شوند. این مسأله به‌خصوص در نظام مالی ایران که بانکها از توانایی اعمال نرخ‌های بهره متفاوت بر متقاضی

اعتبار براساس ریسک اعتباری برخوردار نیستند، اهمیت بیشتری دارد. البته، در تجربه جهانی نیز این راهکار به صورت رایج توسط بانک‌ها در فرآیند اعطای وام اعمال می‌شود. به عنوان مثال لُو، پریا و سینگ^۱ (۲۰۱۶) به این مسأله اشاره می‌کنند که در بین ۱۰۰ کشور مورد مطالعه آنها، در ۷۵ درصد وام‌های اعطایی، ارائه وثیقه الزامی بوده است.

البته، در تجربه جهانی نیز بین وثایق، در بیشتر موارد دارایی‌هایی مورد توجه قرار می‌گیرند که زیرساخت لازم برای ثبت و اعمال حق وثیقه ذی‌ربط موجود باشد. به عنوان مثال، در صورت نبود زیرساخت لازم در استفاده از اموال منقول و یا محدود بودن زیرساخت برای دارایی‌های منقول خاص و ناکارایی مورد انتظار این زیرساخت، بانک‌ها از تأمین مالی به پشتوانه آن دارایی اجتناب نموده و یا با اعمال ارزش وام به وثیقه پایین‌تر در خصوص این وثایق اقدام به وام‌دهی با شرایط سفت‌وسخت و محدودکننده می‌نمایند. به بیان دقیق‌تر، در کشورهای با زیرساخت‌های مناسب در تأمین مالی وثیقه‌ای به پشتوانه اموال منقول، نسبت ارزش وام به وثیقه خیلی بیشتر از مقدار آن در کشورهایی با زیرساخت‌های نامناسب است، هر چند در هر دو کشور مقدار ارزش وام به وثایق غیرمنقول به دلیل قدمت زیاد استفاده و وجود زیرساخت‌های لازم، تقریباً مشابه است.^۲

در واقع، پایین‌بودن ارزش وام به وثیقه در هر کشور نسبت به عرف جهانی، ریسک بالای وثایق استفاده‌شده و قدرت پایین‌تر بانک در بازیافت وام به پشتوانه دارایی ذی‌ربط را نشان می‌دهد. این مسأله، سرانجام به تمرکز وثایق پوشش‌دهنده ریسک وام‌های اعطایی بانک به سمت وثایق غیرمنقول منجر می‌شود. در واقع، در کشورهایی که نظام حقوقی توسعه‌نیافته دارند، زیرساخت قانونی لازم برای استفاده از وثایق منقول و نقدکردن سریع آنها در صورت نکول بدهکار موجود نبوده و بانک با تمرکز بر وثایق غیرمنقول و با توجه به دوره زمانی طولانی بازیافت وام در صورت نکول به پشتوانه این دارایی، عموماً راهبرد ارزش پایین‌تر وام نسبت به وثیقه را دنبال می‌کند و یا نرخ بهره بالاتری را از مشتری مطالبه کرده و یا وام‌هایی با دوره بازپرداخت کوتاه ارائه می‌کند.

1. Love, Peria and Singh.

2. Calomiris, Larrain, Liberti and Sturgess. (2016).

این مسأله نه تنها سرانجام در اقتصادهای بانک‌محور میزان دسترسی متقاضیان اعتبار به وام را محدود و سخت می‌کند، بلکه به بالا رفتن ریسک تمرکز وام‌های اعطایی بانک به شرکت‌های با اندازه بزرگ منجر می‌شود که از اموال غیرمنقول در سبد دارایی خود برخوردارند و در صورت ورود بازار املاک و مستغلات به صحنه رکود، این مسأله حجم مطالبات غیرجاری بانک را به شدت افزایش داده و به انجماد دارایی‌های بانک منتهی خواهد شد.

از سوی دیگر، در اقتصادهای برخوردار از نظام مالی بانک‌محور، در صورت نبود زیرساخت لازم در تأمین مالی وثیقه‌ای به پشتوانه اموال منقول، به دلیل پر هزینه بودن عملیات واسطه‌گری مالی برای بخش بزرگی از متقاضیان، بانک با محدود کردن عملیات واسطه‌گری مالی برای متقاضیان اعتبار بانکی، به فعالیت در حوزه‌های دیگر از جمله بنگاه‌داری سوق پیدا خواهد کرد که این موضوع نیز خود می‌تواند در نهایت ریسک درآمدی بانک را افزایش داده و با انحراف منابع بانک به سمت فعالیت‌های دیگر، سرانجام میزان دسترسی مشتریان به اعتبار را محدود کرده و بر تنگنای اعتباری خواهد افزود.

در مورد نقش وثایق در مدیریت ریسک و کاهش مطالبات غیرجاری نیز در رهنمودهای کمیته بال و در محاسبه نسبت کفایت سرمایه این مسأله به صورت تکنیکی در دو رویکرد استاندارد و رویکرد مبتنی بر رتبه‌بندی داخلی مورد توجه قرار گرفته است و از آنجا که ایران نیز در راستای پیاده‌سازی استانداردهای گزارش‌گری مالی بین‌المللی، به دنبال اعمال رهنمودهای کمیته بال در خصوص محاسبه نسبت کفایت سرمایه است، توجه به وثایق واجد شرایط و حداقل استانداردهای لازم مندرج در این رهنمود، ضروری است.

در این راستا، بر اساس حداقل استانداردهای لازم برای استفاده از وثایق در مدیریت ریسک، به ثبت حق وثیقه و امکان اعمال آن بدون فرآیند داوری در دادگاه اشاره شده است. از این رو وجود سامانه ثبت وثایق حتی برای پیاده‌سازی رهنمود کمیته بال در محاسبه نسبت کفایت سرمایه الزامی است و در مورد زیرساخت اجرای حق وثیقه اموال منقول نیز باید اصلاحاتی در کشور انجام شود.

در مورد انواع وثایق واجد شرایط نیز بر اساس اطلاعات برگرفته از این رهنمود و مندرج در جدول ۱ مشاهده می‌شود که در رویکرد مبتنی بر رتبه‌بندی داخلی، امکان استفاده از دامنه گسترده‌تری از وثایق منقول در نظر گرفته شده است. در واقع، در رویکرد استاندارد از بین اموال منقول، وجه نقد سپرده‌گذاری شده نزد بانک اعطاکننده اعتبار، طلا و اوراق بهادار قابل معامله در بورس اوراق بهادار و واجد شرایط خاص (در برگزیده اوراق بهادار منتشرشده توسط دولت‌های خارجی، شرکت‌های دولتی، بانک‌ها، شرکت‌های کارگزاری اوراق بهادار و گواهی سرمایه‌گذاری در صندوق‌های سرمایه‌گذاری) از امکان پوشش ریسک اعتباری برخوردار بوده و در رویکرد مبتنی بر رتبه‌بندی داخلی، به مجموعه وثایق واجد شرایط یادشده، املاک و مستغلات، اسناد دریافتی و وثایق دیگر منقول واجد شرایط مشتمل بر موجودی انبار و تجهیزات و وثایق دیگر اضافه خواهد شد. البته، منظور از اوراق بهادار قابل معامله در بورس اوراق بهادار نیز اوراق بدهی، حقوق صاحبان سهام و واحدهای سرمایه‌گذاری در صندوق‌های سرمایه‌گذاری تجمیعی است.^۱

جدول ۱. انواع وثایق واجد شرایط در پوشش ریسک اعتباری در رهنمود کفایت سرمایه بال

وثایق واجد شرایط	روش محاسبه نسبت کفایت سرمایه
وجه نقد، طلا و اوراق بهادار قابل معامله در بورس اوراق بهادار و واجد شرایط خاص.	استاندارد
وجه نقد، طلا و اوراق بهادار قابل معامله در بورس اوراق بهادار و واجد شرایط خاص، املاک و مستغلات، اسناد دریافتی و وثایق دیگر منقول واجد شرایط مشتمل بر موجودی انبار و تجهیزات و وثایق دیگر.	مبتنی بر رتبه‌بندی داخلی

مأخذ: آوارز دلا کمپا. (۲۰۱۳).

به این ترتیب، نه تنها در صورت تمکین به رهنمود کمیته بال در محاسبه نسبت کفایت سرمایه، وجود سامانه جامع و متمرکز ثبت وثایق برای ثبت حق وثیقه الزامی خواهد بود، بلکه صرفاً بانک‌هایی که مجوز استفاده از روش رتبه‌بندی داخلی در محاسبه نسبت کفایت سرمایه را از

1. Alvarez de la Campa. (2013).

بانک مرکزی دریافت کرده‌اند، از امکان استفاده از اثر کاهش‌دهنده ریسک دامنه گسترده‌ای از وثایق منقول در محاسبه نسبت کفایت سرمایه برخوردار خواهند بود.

بنابراین، در صورت فراهم‌شدن امکان استفاده از دامنه گسترده‌ای از اموال منقول در تأمین مالی وثیقه‌ای، و تأمین زیرساخت‌های مورد نیاز آن در نظام مالی و در صورت حرکت به سمت بال دو در محاسبه نسبت کفایت سرمایه بر اساس استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی، الزاماً همه بانکها در کوتاه‌مدت به سمت تأمین مالی به پشتوانه این دارایی‌ها ترغیب نخواهند شد و سرانجام اثر شدید کاهش‌دهنده ریسک تأمین مالی برای بانکها به وقوع نخواهد پیوست؛ زیرا تمام بانکها در کوتاه‌مدت واجد شرایط استفاده از روش مبتنی بر رتبه‌بندی داخلی و پذیرش دامنه گسترده‌ای از اموال منقول به‌عنوان وثیقه نخواهند بود.

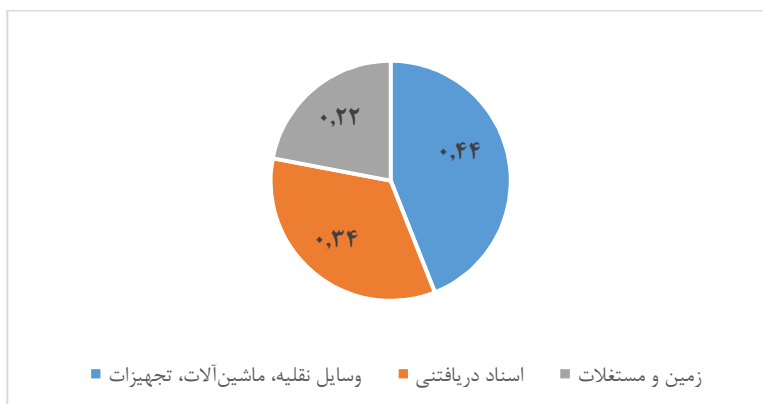
۳. تأمین مالی وثیقه‌ای و دسترسی به اعتبار

در خصوص نقش وثایق منقول در گسترش دسترسی به اعتبار عموماً به عدم تقارن موجود بین دارایی شرکتها و وثایق واجد شرایط مؤسسات اعتباری در اعطای وام اشاره می‌شود. به‌عنوان مثال، براساس نتایج به‌دست‌آمده از مطالعات جهانی درج‌شده در شکل‌های ۱ و ۲، مشاهده می‌شود که حجم زیادی از دارایی‌های شرکتها را دارایی‌های منقول تشکیل می‌دهد؛ این در حالی است که مؤسسات اعتباری بیشتر با تکیه بر اموال غیرمنقول این بنگاه‌ها به اعطای اعتبار می‌پردازند. از این رو حجم زیادی از اموال منقول بنگاه‌ها در این فرآیند به سرمایه مرده^۱ و^۲ تبدیل شده و به دلیل نبود زیرساخت‌های لازم در استفاده از این دارایی‌ها در تأمین مالی، میزان دسترسی بنگاه‌های با اندازه کوچک و متوسط با حجم زیاد اموال منقول در ترازنامه، به شدت کاهش می‌یابد.

1. Dead Capital

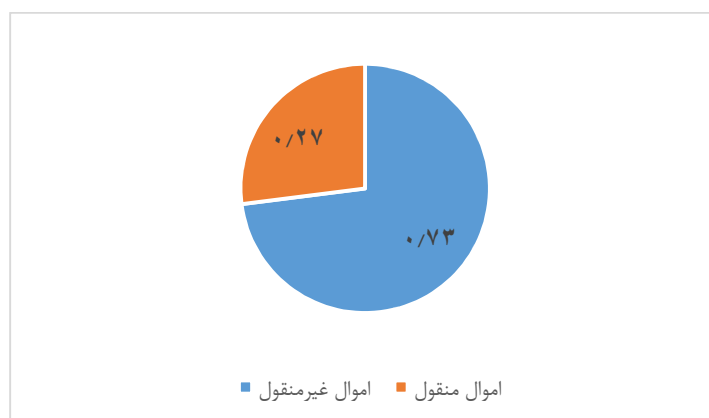
۲. منظور از سرمایه مرده در متون تأمین مالی، دارایی‌ای است که شرکت نتواند به پشتوانه آن تأمین مالی کند و نتواند به وثیقه‌سپاری آن در شبکه بانکی بپردازد. از این رو، چون نتوانسته از آن در تأمین مالی استفاده کند، به آن لقب سرمایه مرده می‌دهند.

شکل ۱. سهم انواع مختلف دارایی در سبد دارایی شرکت‌ها



مأخذ: World Bank Group. (2016).

شکل ۲. سهم انواع مختلف اموال منقول و غیرمنقول از وثایق موجود نزد مؤسسات مالی



مأخذ: World Bank Group. (2016).

برای آشنایی بیشتر با میزان اثربخشی تأمین مالی وثیقه‌ای بر دسترسی به اعتبار می‌توان به شاخص دریافت اعتبار به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اجزای شاخص سهولت انجام کسب‌وکار اشاره کرد. در محاسبه این شاخص، اسناد محکمی به شاخص قدرت حقوق قانونی می‌شود که خود بر پایه شرایط حقوقی ناظر بر تأمین مالی وثیقه‌ای به پشتوانه وثایق منقول در آن کشور استخراج می‌شود.

در خصوص این شاخص و بر اساس اطلاعات جدول ۲ مشاهده می‌شود که در سال ۲۰۱۷ این شاخص در بین طبقات مختلف ارائه‌شده از کشورها، در بین کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا از کمترین مقدار برخوردار است. نتیجه عینی این موضوع نیز در مقدار زیاد شکاف تأمین مالی شرکت‌های کوچک و متوسط فعال در منطقه نشان داده می‌شود، شرکت‌هایی که برای تأمین مالی بیشتر می‌توانند به دارایی‌های منقول موجود در ترازنامه خود تکیه کنند، اما بستر لازم برای استفاده از این ظرفیت در کشورهای ذی‌ربط با توجه به پایین‌بودن شاخص دریافت اعتبار فراهم نشده است. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود، امتیاز ایران نیز در سطح بسیار پایین و نزدیک به منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا قرار دارد.

جدول ۲. امتیاز شاخص حقوق قانونی در مناطق مختلف جهان و ایران

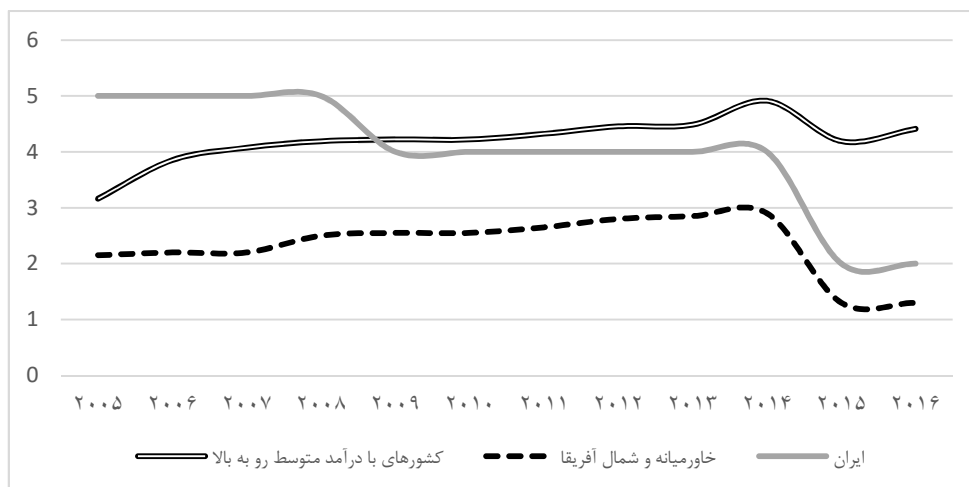
امتیاز شاخص حقوق قانونی ۲۰۱۷	منطقه
۶	کشورهای با درآمد بالا در منطقه OECD
۶۰۴	اروپا و آسیای مرکزی
۶۰۶	آسیای شرقی و اقیانوسیه
۵۰۳	آمریکای لاتین و کارائیب
۴۰۶	جنوب آسیا
۵	جنوب صحرای آفریقا
۱۰۴	خاورمیانه و شمال آفریقا
۲	ایران

یادداشت: مقدار این شاخص بین ۱ تا ۱۲ بوده و عدد ۱۲ سقف این شاخص است.

مأخذ: Sultanov. (2017).

البته از میان ۲۰ کشور موجود در طبقه‌بندی خاورمیانه و شمال آفریقا در گروه‌بندی مورد توجه بانک جهانی، صرفاً پنج کشور مصر، اردن، لبنان، مراکش و امارات متحده عربی از چارچوب لازم در معاملات وثیقه‌ای برخوردارند. از جمله کشورهای دیگر موجود در منطقه منا که از این چارچوب برخوردارند می‌توان به افغانستان، پاکستان و فلسطین اشاره کرد. بنابراین، با توجه به تعداد کم کشورهای تأمین‌کننده چارچوب مستحکم تأمین مالی وثیقه‌ای، سطح پایین این شاخص در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نیز دور از انتظار نیست.

نمودار ۲. مقایسه روند شاخص قدرت حقوق قانونی در ایران و گروه‌های همتا



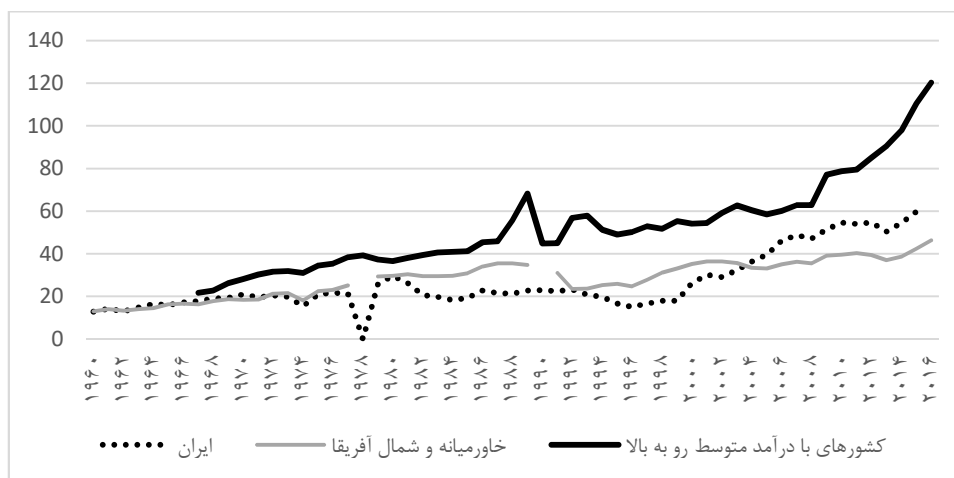
یادداشت: مقدار سقف این شاخص تا پیش از سال ۲۰۱۵ برابر با ۸ و پس از این سال برابر با ۱۲ است. روند این متغیر برای کشورهای با درآمد متوسط رو به بالا و کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، با میانگین‌گیری از امتیازهای گزارش شده برای کشورهای موجود در گروه ذی‌ربط برای سال‌های نمونه به‌دست‌آمده است. در میانگین‌گیری اعداد گزارش شده برای سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶، از ارقام گزارش شده بر اساس روش جدید محاسبه این شاخص استفاده شده است. مأخذ: خوشنود و اسفندیاری. (۱۳۹۶).

اگر شاخص یادشده را برای دوره زمانی بلندمدت‌تری در ایران در مقایسه با کشورهای هم‌تای خود در طبقه‌بندی‌های ارائه‌شده توسط بانک جهانی در برگیرنده کشورهای با درآمد متوسط رو به بالا و کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بررسی کنیم، مشاهده می‌کنیم که در سال‌های اخیر و با تغییر روش محاسبه شاخص و با تمرکز بیشتر آن بر زیرساخت سامانه‌ای مبتنی بر سامانه جامع و متمرکز ثبت وثایق منقول، رتبه ایران در این شاخص به مقدار زیادی کاهش پیدا کرده و با فاصله گرفتن از مقدار این شاخص در کشورهای با درآمد متوسط رو به بالا به مقدار آن در کشورهای خاورمیانه و جنوب آفریقا نزدیک شده است.^۱

۱. در واقع، اهمیت بیشتر به سامانه ثبت وثایق در شکل‌دهی این شاخص پس از سال ۲۰۱۴ و تأمین‌نشدن هیچ یک از اجزای آن تا حدودی نمایانگر گرایش بیشتر به پوشش و تأمین این زیرساخت در مقایسه با زیرساخت‌های دیگر مورد نیاز در ارتقای زیرساخت‌های مورد نیاز تأمین مالی وثیقه‌ای بوده است.

از آنجا که این شاخص مبتنی بر زیرساخت‌های تأمین مالی وثیقه‌ای به پشتوانه اموال منقول است، کم‌بودن آن در ایران و کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا به صورت ضمنی بیانگر کم‌بودن میزان دسترسی به اعتبار در این کشورها در مقایسه با کشورهای با درآمد متوسط رو به بالاست. این موضوع با بررسی روند شاخص درصد اعتبار داخلی اعطاشده به بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی (درصد) در سه نمونه مورد بررسی بر اساس اطلاعات درج‌شده در وب سایت بانک جهانی و به‌دست‌آمده در نمودار ۳ قابل‌بازنمایی است.

نمودار ۳. مقایسه روند شاخص درصد اعتبار داخلی اعطاشده به بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی (درصد)



مأخذ: <https://data.worldbank.org>

همان‌طور که انتظار می‌رفت، میزان زیرساخت تأمین مالی وثیقه‌ای که توسط شاخص قدرت حقوق قانونی به تصویر کشیده می‌شود، نقش مؤثری در میزان دسترسی به اعتبار ایفا می‌کند و اثر آن در مقدار بالاتر به اعتبار اعطاشده به بخش خصوصی در گروه‌های برخوردار از شاخص قدرت حقوق قانونی بالاتر به نمایش گذاشته شده است. به بیان دقیق‌تر، کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا که در نمودار ۲ از کمترین مقدار شاخص قدرت حقوق قانونی و بنابراین، زیرساخت نامناسب تأمین مالی وثیقه‌ای به پشتوانه اموال منقول برخوردارند، کمترین سطح دسترسی به اعتبار را نیز دارند. بدین‌روی، ضرورت ارتقای این زیرساخت در کشور برای افزایش دسترسی به اعتبار به اثبات می‌رسد.

با این وجود، از آنجا که نبود شفافیت اطلاعاتی بین اعتباردهنده و اعتبارگیرنده می‌تواند تا حدودی از طریق ارائه اطلاعات مالی مناسب هنگام درخواست اعتبار برطرف شود، این مسأله نیز ممکن است، مطرح شود که با ارائه پیشینه مالی مناسب و بدون نیاز به وثایق ممکن است به اعتبار مورد نیاز دست یافت. در این خصوص، توجه به این نکته ضروری است که هر چند در محاسبه شاخص دریافت اعتبار توسط بانک جهانی با در نظر گرفتن نقش شاخص عمق اطلاعات اعتباری به این مسأله توجه شده است، اما شواهد تجربی بیانگر اهمیت فراوان وثیقه در نهایی کردن تصمیم اعتباردهی و اطمینان از توانایی بانک در پوشش ریسک‌های پیش‌بینی نشده آتی است که می‌تواند حتی در شرایط رتبه اعتباری مناسب متقاضی اعتبار، اما به دلیل وقوع بحران‌های اقتصادی پیش‌بینی نشده به نکول وی منجر شوند.

بر این اساس، می‌توان به کشور کلمبیا اشاره کرد که بر اساس نتایج مطالعه‌ای که با همکاری شرکت تأمین مالی بین‌المللی^۱ و برنامه اقدام در زمینه فقر^۲ و مبتنی بر اطلاعات سال ۲۰۱۲ در خصوص دسترسی به اعتبار شرکت‌های کوچک و متوسط فعال در این کشور انجام شد،^۳ مشاهده می‌شود که مهم‌ترین عامل در رد تقاضای وام بنگاه‌ها، نبود دسترسی به وثیقه بوده که در مقایسه با نبود دسترسی به اطلاعات تاریخی مالی بنگاه، جایگاه نخست را به خود اختصاص داده است. همچنین، در میان افرادی که به وام دسترسی پیدا نکردند، ۵۱ درصد اموال منقول و ۴۹ درصد اموال غیرمنقول را برای وثیقه‌سپاری در اختیار داشتند و ۴۷ درصد از آنهایی که به پشتوانه اموال منقول به وام دسترسی پیدا نکردند،^۴ مدعی بودند که در صورت وجود زیرساخت‌های لازم در وثیقه‌سپاری این اموال، از امکان دسترسی به وام برخوردار بودند.^۵

1. International Finance Corporation (IFC)

2. Poverty Act

۳. این مطالعه پیش از اعمال قانون جدید ناظر بر معاملات وثیقه‌ای و راه‌اندازی سامانه ثبت وثایق منقول در این کشور انجام شده است.

۴. در این گروه ۲۷ درصد نیز معتقد بودند که حتی به پشتوانه اموال منقول خود و در صورت وجود چارچوب حقوقی لازم درخواست وام آنها رد می‌شد. البته، ۲۹ درصد از افراد موجود در این گروه نیز پاسخی برای علت رد تقاضای وام خود ارائه نکردند.

5. Innovations for Poverty Action. (2015).

از این رو ملاحظه می‌شود که نمونه واقعی نیز نقش بیشتر زیرساخت وثیقه‌سپاری اموال منقول در دسترسی به اعتبار در مقایسه با پیشینه مالی مناسب را نشان می‌دهد. این موضوع به‌ویژه در کشورهایی که از ثبات مالی و اقتصادی برخوردار نیستند، اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا به واسطه واردشدن کوچک‌ترین اخلالی به اقتصاد، پیشینه مالی متقاضی اعتبار می‌تواند به سرعت تحت تأثیر فراوان قرار گرفته و مخدوش شود. بنابراین، اعتباردهندگان هنگام تصمیم‌گیری، اتکای بیشتری به امکان بازیافت وام به پشتوانه وثایق و بر اساس زیرساخت‌های ذی‌ربط دارند تا درجه درخشان بودن پیشینه مالی فرد؛ هر چند ارزش وثیقه نیز در شرایط بی‌ثباتی اقتصادی می‌تواند با نوسانات شدید ارزش مواجه شود.

بنابراین در مجموع، فراهم‌بودن زیرساخت‌های لازم در وثیقه‌سپاری اموال منقول می‌تواند کمک مؤثری به افزایش سطح دسترسی به اعتبار کند و این مسأله در ایران که شاخص قدرت حقوق قانونی در مقادیر حداقل خود قرار دارد، از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود.

۴. حلقه‌های تشکیل‌دهنده زیرساخت تأمین مالی وثیقه‌ای به پشتوانه اموال منقول

از آنجا که در محاسبه شاخص قدرت حقوق قانونی پرسش‌هایی مورد توجه قرار گرفته که به ترتیب اجزای کلی زیرساخت مورد نیاز برای تأمین مالی وثیقه‌ای را به تصویر می‌کشد، بنابراین، با طبقه‌بندی این پرسش‌ها به درک مناسب‌تری از زیرساخت‌های مورد نیاز و نقش سامانه جامع و متمرکز ثبت وثایق در این حلقه به هم پیوسته، دست پیدا می‌کنیم.

جدول ۳. اجزای شاخص قدرت حقوق قانونی و امتیاز ایران در سال ۲۰۱۸

شماره	موضوع	امتیاز ایران در هر جزء	زیرساخت
۱	وجود ساختار قانونی برای معاملات وثیقه‌ای در ایجاد، اعلام و اجرای حق وثیقه دارایی‌های منقول	خیر	مقررات
۲	امکان استفاده از حق وثیقه بدون حق تصرف در یک گروه واحد از اموال منقول و بدون توصیف مشخص وثیقه	خیر	
۳	امکان استفاده از حق وثیقه بدون حق تصرف برای همه اموال منقول و بدون توصیف مشخص وثیقه	خیر	
۴	امکان لحاظ حق وثیقه برای دارایی‌های آتی یا پس از آن خریداری شده و یا تسری آن به محصولات، عواید و جایگزین‌های دارایی‌های اولیه	خیر	
۵	مجاز بودن توصیف کلی بدهی‌ها و تعهدات در توافق‌نامه وثایق برای تمام انواع بدهی‌ها و تعهدات با ذکر حداکثر میزان دارایی به رهن گذاشته شده در توافق‌نامه وثیقه	خیر	
۶	وجود صرفاً یک سامانه ثبت وثایق در کل کشور و برای انواع مختلف دارایی با پایگاه داده الکترونیک قابل بازیابی بر اساس نام وام‌گیرنده	خیر	سامانه‌های
۷	ضرورت وجود سامانه ثبت وثایق مبتنی بر انتشار آگهی	خیر	
۸	وجود سامانه ثبت وثایق پیشرفته با امکان ثبت، اصلاح، حذف و جستجوی برخط توسط افراد ثالث ذی‌نفع	خیر	
۹	برخورداری از حق اولویت طلبکاران با وثیقه خارج از فرآیند ورشکستگی	بله	آینده
۱۰	برخورداری از حق اولویت طلبکاران با وثیقه در فرآیند انحلال	بله	
۱۱	در معرض توقف یا تعلیق قرار نگرفتن مطالبات اعتباردهنده دارای وثیقه در فرآیند بازسازی بدهکار و یا در نظر گرفتن بازه زمانی برای آن	خیر	
۱۲	درج امکان اعمال حق وثیقه در فرآیند خارج از دادگاه در توافق‌نامه وثیقه، قانونی بودن فروش وثیقه توسط اعتباردهنده به پشتوانه وثیقه توسط حراج عمومی یا مزایده خصوصی و یا حتی قبض وثیقه در عوض بدهی	خیر	

یادداشت: اطلاعات مربوط به اجزای شاخص قدرت حقوق قانونی از www.doingbusiness.org/reports استخراج شده و در این پژوهش طبقه‌بندی شده است. از آنجا که از بین پرسش‌های تشکیل‌دهنده شاخص قدرت حقوق قانونی، صرفاً دو پرسش در مورد ایران از پاسخ مثبت برخوردار بوده است، بنابراین، امتیاز ایران در این شاخص برای پنجمین سال پیاپی، ۲ است.

به این ترتیب، مشاهده می‌شود که برای کارکرد مناسب تأمین مالی وثیقه‌ای در مجموع سه زیرساخت باید فراهم شده باشد؛ دربرگیرنده زیرساخت‌های مقرراتی، سامانه‌ای و اجرایی. از این رو زیرساخت سامانه‌ای مبتنی بر کارکرد سامانه ثبت حق وثیقه، صرفاً به‌عنوان جزئی از حلقه عملیاتی تأمین مالی وثیقه‌ای به پشتوانه وثایق منقول شناخته می‌شود و تأکید صرف بر راه‌اندازی سامانه ثبت وثایق منقول بدون وجود حلقه‌های دیگر آن مؤثر نخواهد بود. افزون بر این، در صورت کامل‌نبودن هر یک از این حلقه‌ها نیز امکان افزایش دسترسی به اعتبار در سطح مورد انتظار دور از ذهن خواهد بود. البته تأکید بیشتر بر وجود این سامانه در کشور نیز از سال ۲۰۱۴ شکل گرفت که روش محاسبه این شاخص تغییر کرد و بر اجزای بیشتری از سامانه جامع و متمرکز ثبت وثایق متمرکز شد و از این رو عدم پوشش اجزای آن در ارزیابی ایران بیشتر به چشم آمد. البته، وجود دو زیرساخت دیگر در کشور با وجود کاستی‌ها، در کنار پررنگ بودن نبودن زیرساخت سامانه‌ای در کشور، بر ضرورت توجه بیشتر به این مقوله نیز افزود.

در این راستا، در مطالعه انجام‌شده توسط شرکت تأمین مالی بین‌المللی در سال ۲۰۱۳ در خصوص ارزیابی میزان مؤثر بودن نظام معاملات وثیقه‌ای در کشورهای منا (جدول ۴) مشاهده می‌شود که نمونه‌هایی از کاستی‌های موجود در هر یک از این زیرساخت‌ها برای کشورهای موجود در این گروه گزارش شده است که تقریباً از وضعیتی مشابه ایران در این حوزه برخوردارند. البته، در زمان تنظیم گزارش پیش‌گفته در بین کشورهای منطقه منا، صرفاً افغانستان از مقررات، چارچوب و سامانه پیشرفته معاملات وثیقه‌ای برخوردار بوده است.

جدول ۴. ارزیابی نظام حاکم بر معاملات وثیقه‌ای در کشورهای منا

حوزه کلی	ابعاد مورد توجه در شاخص حقوق قانونی	در حوزه عمل در کشورهای منطقه منا	توصیه‌های ارائه شده
زیرساخت مقرراتی	<ul style="list-style-type: none"> ▪ به رسمیت شناختن انواع دارایی‌ها ▪ به رسمیت شناختن انواع طرف‌های مقابل ▪ به رسمیت شناختن انواع توافقات قراردادی 	<ul style="list-style-type: none"> ▪ تمرکز زیاد بر دارایی‌های مشهود و استفاده نکردن از دارایی‌های نامشهود ▪ محدودیت در ثبت حق وثیقه شخصیت‌های حقوقی در برخی کشورها ▪ نبود شواهدی مبتنی بر انواع توافقات قراردادی 	گسترش حوزه معاملات وثیقه‌ای
سامانه‌های	<ul style="list-style-type: none"> ▪ وجود سامانه ثبت وثایق متمرکز الکترونیک مبتنی بر وب و ارائه آگهی ▪ ثبت انواع مختلف حقوق تضمین انواع مختلف اموال منقول ▪ ساده بودن فرایند ثبت ▪ قابلیت جستجوی آسان 	<ul style="list-style-type: none"> ▪ صرف وجود یک سامانه ثبت‌کننده آگهی (افغانستان) ▪ ثبت حق وثیقه دامنه محدودی از اموال منقول ▪ دست و پاگیر بودن فرایند ثبت ▪ عدم جستجوی آسان 	مدرن‌سازی سامانه‌های ثبت وثایق
زیرساخت اجرایی	<ul style="list-style-type: none"> ▪ اعمال حق وثیقه خارج از فرایند داوری ▪ فرآیندهای سریع داوری در دادگاه ▪ حق تصرف اولیه 	<ul style="list-style-type: none"> ▪ صرفاً در چهار کشور امکان اعمال حق وثیقه خارج از فرایند داوری 	بهبود سازوکارهای اعمال حق وثیقه

مأخذ: Alvarez de la Campa. (2013).

بنابراین مشاهده می‌شود که در کنار زیرساخت سامانه‌ای، ضرورت ارتقای زیرساخت‌های دیگر شامل مقرراتی و اجرایی در کشور مشاهده می‌شود. در این راستا، اگر با توجه به زیرساخت‌های کلی یادشده و براساس روندنمای مورد توجه شرکت تأمین مالی بین‌المللی، درج‌شده در نمودار ۴ به ارزیابی کلی چارچوب حقوقی وثایق پردازیم که زیرساخت تأمین مالی وثیقه‌ای را به تصویر می‌کشد، به شکل بهتری می‌توانیم حلقه‌های مختلف تشکیل‌دهنده چارچوب تأمین مالی وثیقه‌ای را شناسایی کرده و از

این رو از نگاه تک بعدی به ضرورت صرف راه‌اندازی سامانه ثبت وثایق بدون تأمین زیرساخت‌های دیگر، اجتناب خواهیم کرد.

بر اساس فرآیند مورد توجه در نمودار ۴ مشاهده می‌شود که نظام و چارچوب حاکم بر تأمین مالی وثیقه‌ای در کشور، در گام نخست صرفاً امکان تأمین مالی به پشتوانه دامنه محدودی از وثایق منقول را در کنار اموال غیرمنقول فراهم کرده و از نظر استانداردهای حقوقی بین‌المللی و پشتیبانی‌کننده حداقل‌های مورد انتظار، در وضعیت مطلوبی قرار ندارد.

البته، گفتنی است که در رویکرد استفاده‌شده در این نمودار، پس از توجه به دامنه دارایی‌های قابل وثیقه‌سپاری، با صرف تمرکز بر یک جزء از هر یک از ابعاد زیرساخت‌های مقرراتی، سامانه‌ای و اجرایی مورد انتظار و اشاره‌شده در پرسش‌های تشکیل‌دهنده شاخص قدرت حقوق قانونی و طبقه‌بندی‌شده در جدول ۳، صرف رسیدن به یک طبقه‌بندی ساده و قابل مقایسه آسان مورد توجه بوده است.

بنابراین، بر اساس رویکرد پیش‌گفته در مرحله بررسی استانداردهای دیگر - که ابعادی کلی از زیرساخت‌های مقرراتی، سامانه‌ای و اجرایی مورد انتظار را در بر می‌گیرند - مشاهده می‌شود که هیچ یک از استانداردهای لازم در ساختار و چارچوب ناظر بر معاملات وثیقه‌ای در کشور تحت پوشش قرار نمی‌گیرد و از این رو نبود سامانه ثبت وثایق به‌عنوان یکی از کاستی‌های موجود در کنار کاستی‌های دیگر ساختاری مطرح است و حتی صرف وجود این سامانه بدون توجه به الزامات دیگر مورد نظر، نمی‌تواند مشکل محدود بودن چارچوب حقوقی وثیقه را در کشور برطرف کند.

گفتنی است که صرف در نظر گرفتن سه حلقه یادشده در شرایطی مناسب است که کشوری به زیرساخت لازم دست پیدا کرده باشد. به بیان دقیق‌تر، در شرایط پیاده‌سازی زیرساخت یادشده شامل سه حلقه عنوان‌شده، باید اجزای دیگری نیز مورد توجه قرار گیرد. اجزایی که دو طرف عرضه و تقاضای اعتبار را در بر گرفته و ظرفیت به‌کارگیری این روش تأمین مالی را در آنها تقویت می‌کند.

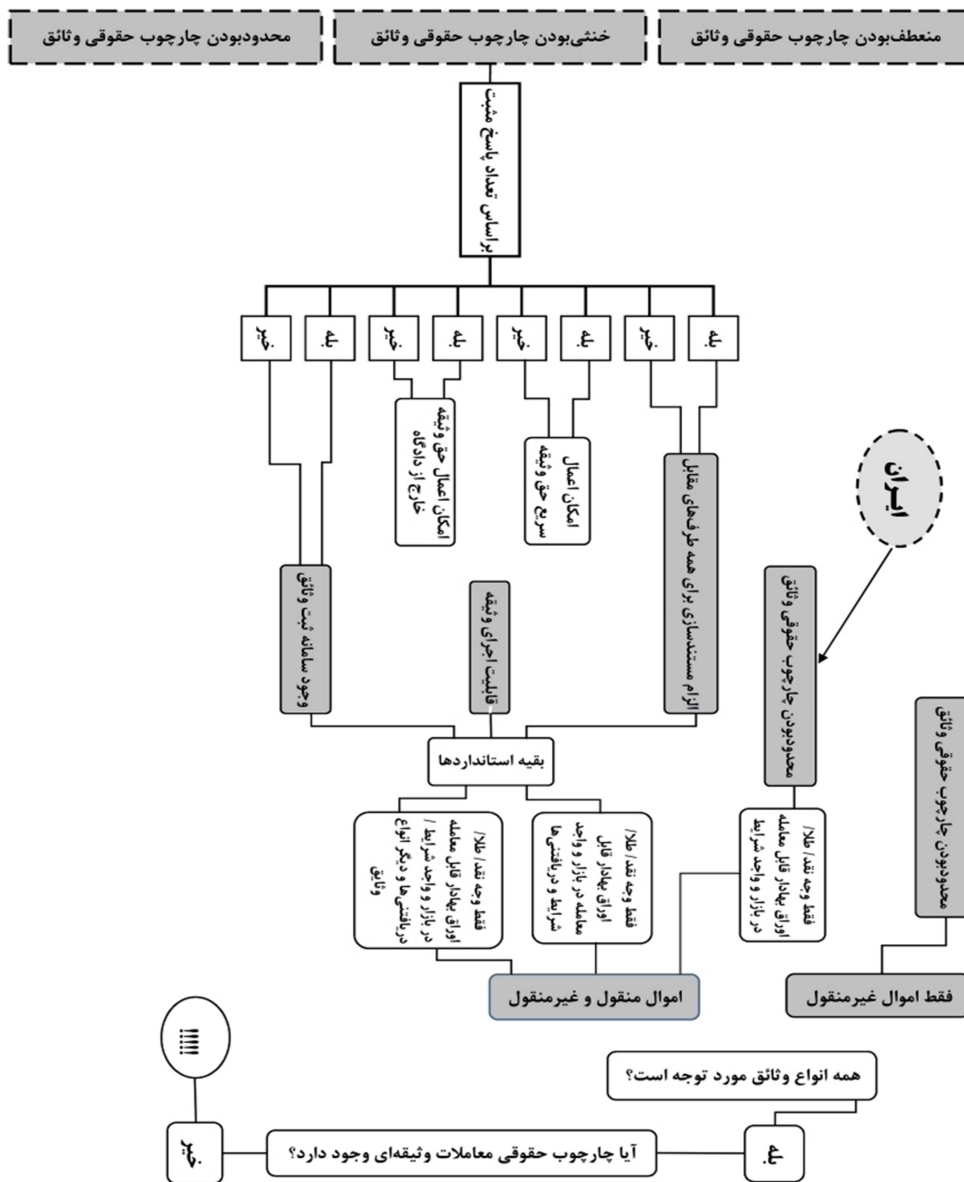
به بیان دقیق‌تر در حوزه تقاضاکننده اعتبار، آگاهی‌بخشی عمومی به گروه‌های هدف از اهمیت فراوانی در پیاده‌سازی ساختار مناسب تأمین مالی وثیقه‌ای برخوردار است. در طرف عرضه‌کننده اعتبار

نیز حتی در مطالعه یادشده، شرکت تأمین مالی بین‌المللی، الزام آموزش‌دادن به مؤسسات مالی در استفاده از این روش تأمین مالی را در توصیه‌های خود به کشورهای گروه منا گنجانده است.

البته، در صورت بررسی برنامه‌های پیاده‌سازی چارچوب معاملات وثیقه‌ای مبتنی بر وثایق منقول در کشورهای مختلف که در بیشتر موارد با همکاری شرکت تأمین مالی بین‌المللی اجرا می‌شود، ابعاد دقیق‌تری از زیرساخت‌های مورد نیاز به تصویر کشیده خواهد شد. به‌عنوان مثال، در ابزار و چارچوب کلی پیشنهادی این سازمان برای کشورهای نوظهور که در جدول ۵ ارائه‌شده و حتی با توجه به هزینه‌های پیشنهادی آن می‌توان به درک بهتری از ابعاد عملیاتی این موضوع دست یافت.

صرف‌نظر از فاز اولیه طرح که مبتنی بر شناسایی وضعیت موجود است، در فاز دوم که تمرکز بر پیاده‌سازی است، دو جزء کلی مورد توجه قرار گرفته شامل پیاده‌سازی زیرساخت‌ها و پایش کارکرد ساختار طراحی شده است. در واقع در این طرح، زیرساخت‌های مورد نیاز فراتر از زیرساخت‌های مورد توجه و به‌دست‌آمده از پرسشنامه‌های تعیین‌کننده شاخص قدرت قانونی است. به بیان دیگر، در پیاده‌سازی چارچوب کلی مورد نیاز در کشوری که از ساختار مطلوب برخوردار نیست، در مقایسه با کشوری که این ساختار در آن پیاده‌سازی شده است، ابعاد بیشتری برای نهادینه‌شدن آن باید مورد توجه قرار گیرد.

نمودار ۴. ارزیابی کلی چهارچوب حقوقی وثایق



جدول ۵. ابعاد برنامه پیاده‌سازی چارچوب معاملات وثیقه‌ای توسط شرکت تأمین مالی بین‌المللی

توالی	بخش	فعالیت‌ها	هزینه تقریبی (دلار)
فاز اول: شناسایی وضعیت موجود	۱. شناسایی اولیه حوزه کار	- تجزیه و تحلیل دقیق معاملات وثیقه‌ای در کشور، - تمرکز بر گروه‌های هدف، - برگزاری جلسات با گروه‌های هدف و ذی‌نفعان، - ارائه گزارش و توصیه‌ها.	۸۰۰۰۰
	۲. چارچوب حقوقی معاملات وثیقه‌ای	- بررسی چارچوب حقوقی موجود، - برگزاری جلسات با حقوق دانان.	۴۰۰۰۰
فاز دوم: پیاده‌سازی، پایش و ارزیابی	۳. برقراری اجماع و افزایش آگاهی	- برگزاری کارگاه با ذی‌نفعان، - ایجاد گروه‌های کاری، - برگزاری جلساتی برای افزایش آگاهی عموم.	۵۰۰۰۰
	۴. نگارش قانون و مقررات جدید یا اعمال اصلاحاتی در قانون و مقررات موجود	- تنظیم نسخه‌های مورد نیاز، - بازبینی و بررسی نسخه‌های تنظیم شده در گروه‌های کاری متشکل از ذی‌نفعان.	۶۰۰۰۰
	۵. ایجاد سامانه ثبت وثایق	طراحی سامانه و عملکردهای مورد انتظار آن	۵۰۰۰۰
		طراحی و توسعه نرم‌افزارهای مورد نیاز	۱۰۰۰۰۰
	۶. آموزش کارمندان سامانه و ذی‌نفعان	سخت‌افزارها و تجهیزات مورد نیاز برای راه‌اندازی آن	۹۰۰۰۰
		- آموزش کاربران نهایی سامانه (مؤسسات مالی)، - آموزش کارمندان سامانه.	۸۰۰۰۰
	۷. پایش و ارزیابی	- پایش کارکرد مناسب ساختار پیاده‌سازی شده.	۵۰۰۰۰
کل هزینه تقریبی پیش‌بینی شده طرح			۶۰۰۰۰۰

مأخذ: (2010). Investment Climate Advisory Services I World Bank Group.

البته با توجه به آنکه در این طرح به‌یقین زیرساخت مورد انتظار در اعمال حق وثیقه در قالب زیرساخت قانونی و تدوین قوانین و مقررات و رویه‌های قضایی جدید در زیر آن و یا تعدیل و اعمال اصلاحات در قوانین و مقررات و رویه‌های فعلی شکل خواهد گرفت، بنابراین، زیرساخت اجرایی در

قالب زیرساخت مقرراتی و در بخش ۴ در نظر گرفته شده است. از این رو در کنار سه زیرساخت رایج مقرراتی، سامانه‌ای و اجرایی، به دو زیرساخت دیگر مبتنی بر افزایش آگاهی عمومی و آموزش ذی‌نفعان به‌ویژه مؤسسات مالی توجه شده است.

اهمیت این دو زیرساخت در حدی است که مجموع هزینه درخواست‌شده برای پیاده‌سازی آنها بیش از دو برابر هزینه درخواستی برای نگارش قوانین و مقررات جدید و یا اعمال اصلاحات در قوانین و مقررات جاری است. به نظر این نهاد، برگزاری کارگاه‌های آگاهی‌بخشی عمومی برای ذی‌نفعان در بخش‌های دولتی و خصوصی، دنبال کردن راهبرد ارتباطی با هدف‌گذاری ذی‌نفعان اصلی (کسب‌وکارها و نهادهای مالی)، آموزش قضات و حقوق‌دانان در کنار مؤسسات مالی از اهمیت فراوانی برخوردار است. آموزش مؤسسات مالی نیز از این منظر با اهمیت است که به جهت‌گیری آنها در اتخاذ سیاست‌های اعتباردهی داخلی نوین در طراحی خطوط اعتباری جدید تأمین مالی وثیقه‌ای به پشتوانه اموال منقول منجر خواهد شد.^۱

در خصوص اهمیت این دو زیرساخت حتی می‌توان به شواهد تجربی پیاده‌سازی چارچوب تأمین مالی وثیقه‌ای در کشورهای دیگر اشاره کرد. به‌طور مثال، در کشور اندونزی در سال ۱۹۹۹ چارچوب معاملات وثیقه‌ای پیاده‌سازی شد، اما به دلیل مشکلات موجود و ناکارایی آن، در سال ۲۰۱۲ حرکت به سمت تغییر رویه موجود جهت‌گیری شد و سرانجام در سال ۲۰۱۳ تفاهم‌نامه‌ای با بانک جهانی منعقد شد تا چارچوب موجود ارتقا پیدا کند.

در این راستا و بر اساس مطالعات بانک جهانی مشخص شد که کمپین‌های اطلاع‌رسانی اولیه، جامعه هدف را پوشش نداده بودند. همچنین، دانش ناچیز کارکنان بانک در تأمین مالی وثیقه‌ای به پشتوانه اموال منقول، ظرفیت و توانایی تکنیکی محدود بانک‌ها در ارزش‌گذاری دامنه محدودی از اموال منقول و از این رو سیاست‌های داخلی بانک در تأمین مالی وثیقه‌ای به پشتوانه دامنه محدودی از دارایی‌ها، امکان استفاده مؤثر از ظرفیت‌های بالقوه موجود را فراهم نکرده بود. البته، روش‌شناسی بانک مرکزی در محاسبه دارایی‌های موزون به ریسک نیز در این زمینه به گرایش بانک‌ها به استفاده از دامنه محدودی از اموال منقول منجر شده بود.^۲

1. International Finance Corporation. (2013).

2. World Bank Group. (2017).

افزون بر این، در این زمینه در مطالعه بانک توسعه آسیا در مورد کشورهای اقیانوسیه، مشاهده شده است که تا هنگامی که مؤسسات مالی اعتباردهنده از مزایای چارچوب تأمین مالی وثیقه‌ای به پشتوانه اموال منقول آگاهی لازم را کسب نکنند، نه تنها از آن استفاده لازم را نمی‌کنند، بلکه به ایجاد و طراحی محصولات جدید در این چارچوب نمی‌پردازند و سرانجام، افزایش دسترسی به اعتبار حاصل نخواهد شد. در این مطالعه عدم دریافت دستورالعمل‌های لازم در خصوص این روش تأمین مالی در شعب، از دلایل عدم موفقیت آن در برخی کشورهای این منطقه توصیف شده است؛ به‌گونه‌ای که اطلاعات لازم در خصوص چگونگی استفاده از آن از واحدهای صف در اختیار ستاد قرار نگرفته بود و استفاده از این روش تأمین مالی در سیاست‌های بانک تلفیق نشده بود.^۱

از این رو مشاهده می‌شود که در کنار توجه به ضرورت آموزش دو طرف تأمین مالی وثیقه‌ای شامل قرض‌گیرندگان و قرض‌دهندگان، نهادهای ذی‌ربط نیز باید برخی هموارسازی‌های لازم را در این حوزه انجام دهند. به‌طور مثال، در گزارشی که توسط شرکت تأمین مالی بین‌المللی تهیه شده و وظایف زیر برای بانک مرکزی در این فرآیند در نظر گرفته شده است.^۳ در گام نخست باید امکان ارزشگذاری دارایی در بازار به صورت عینی وجود داشته باشد و به‌صورت مداوم ارزشگذاری مجدد شود. از این رو در فرآیندهای تأمین مالی وثیقه‌ای تدوین شده توسط بانک مرکزی باید زیرساخت لازم در قیمت‌گذاری انواع مختلف اموال منقول واجد شرایط تدارک دیده شده و بانک‌ها ملزم به پایش مداوم وثایق شوند. همچنین، دولت باید بازارهای ثانویه با درجه نقدشوندگی بالا را برای فروش این دارایی‌ها طراحی و پیاده‌سازی کرده باشد. در غیر این صورت، با متورم شدن ترازنامه بانک‌ها توسط این دارایی‌ها و عدم امکان فروش به موقع آنها در بازاری نقد، بانک‌ها با انجماد بیشتر دارایی مواجه خواهند شد.^۴ در مورد اسناد دریافتی نیز بانک مرکزی باید بازه زمانی سررسید این نوع دارایی‌ها برای واجد شرایط شناخته شدن در تأمین مالی وثیقه‌ای بر اساس دوره زمانی بازپرداخت وام را تعیین کند.

1. Asian Development Bank. (2014).

۲. این مسأله در کشور کلمبیا نیز اشاره شده است؛ به گونه‌ای که در صورت نبود دانش لازم در مؤسسات مالی در استفاده از این روش تأمین مالی، اهداف مورد انتظار طرح حاصل نخواهد شد. برای اطلاعات بیشتر به مأخذ زیر مراجعه شود: Innovation for Poverty Action. (2013)

3. Alvarez de la Campa. (2013).

۴. در این خصوص، امکان فروش دارایی در بازارهای مناقصه عمومی و خصوصی در نظر گرفته می‌شود.

افزون بر این، بانک مرکزی برای تسهیل فرآیند تصمیم‌گیری در خصوص تصمیم مقدار اعتباردهی به پشتوانه انواع مختلفی‌ها می‌تواند نسبت‌هایی در خصوص مقدار ارزش وام به ارزش وثیقه را پیشنهاد دهد. برای مثال، در برخی کشورها این نسبت برای اموال غیرمنقول برابر ۸۰ درصد و برای وام‌دهی به پشتوانه دریافتی‌ها برابر ۷۰ درصد توسط بانک مرکزی تعیین شده است. از این رو در کنار زیرساخت‌های سه گانه و اهمیت فراوان آموزش دو طرف عرضه و تقاضا، بانک مرکزی و نهادهای ذی‌ربط دیگر باید اقدامات لازم را در خصوص تسهیل رویه‌ها و فرآیندهای لازم در تأمین مالی وثیقه‌ای انجام دهند تا در عرصه انجام عملیات این روش تأمین مالی نیز مشکل و مانع محدودکننده‌ای وجود نداشته باشد.

۵. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

استفاده از ظرفیت وثایق منقول در تأمین مالی در کشور هر چند می‌تواند کمک مؤثری به بانک‌ها در کاهش ریسک پرتفوی و کاهش حجم مطالبات غیرجاری به واسطه درجه نقدنشوندگی بیشتر و سریع‌تر اموال منقول در مقایسه با اموال غیرمنقول در صورت وجود بازارهای نقد برای فروش آنها داشته باشد، با این وجود، در صورت الزام به تمکین به رهنمود کمیته بال در محاسبه نسبت کفایت سرمایه ذیل تمکین به استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی، صرفاً بانک‌های واجد شرایط استفاده از رویکرد رتبه‌بندی داخلی از این مزیت می‌توانند برخوردار شده و از دامنه گسترده‌ای از اموال منقول در مقایسه با شرایط فعلی استفاده کنند. البته، بر اساس پیش‌شرط‌های درج‌شده در این رهنمود برای استفاده از اثر کاهنده ریسک وثایق، به ثبت حق وثیقه و امکان اعمال آن بدون فرآیند داوری در دادگاه اشاره شده است. از آنجا که ثبت حق وثیقه در سامانه متمرکز و جامع ثبت وثایق انجام می‌شود، بنابراین، وجود سامانه ثبت وثایق و انجام اصلاحاتی در زیرساخت اجرای حق وثیقه در مورد وثایق منقول نه تنها از پیش‌نیازهای چارچوب مستحکم تأمین مالی وثیقه‌ای به پشتوانه اموال منقول است، بلکه از زیرساخت‌های لازم در پیاده‌سازی رهنمود کمیته بال در محاسبه نسبت کفایت سرمایه نیز به‌شمار می‌رود.

با این وجود، حتی در صورت تأمین دو زیرساخت یادشده در کنار زیرساخت مقرراتی که بر اصلاح قوانین و مقررات ناظر بر شمول استفاده از انواع مختلف دارایی‌های منقول در تأمین مالی وثیقه‌ای متمرکز است، الزاماً نباید انتظار افزایش سطح دسترسی به اعتبار در جامعه را داشت. در واقع، برای کارکرد مناسب سه حلقه زیرساختی مقرراتی، سامانه‌ای و اجرایی در فراهم کردن گستره ظرفیت تأمین مالی وثیقه‌ای به پشتوانه اموال منقول باید زمان و هزینه زیادی را نیز برای ظرفیت‌سازی از طریق آموزش دو طرف عرضه و تقاضای اعتبار اختصاص داد. در کنار این مسأله، بانک مرکزی و نهادهای ذی‌ربط دیگر نیز باید با فراهم کردن ابعاد مختلف عملیاتی و تنظیم رویه‌ها و فرآیندهای اجرایی لازم، ارتباط مؤثر بین اجزای مختلف را فراهم کرده و از عملیاتی‌شدن این چارچوب اطمینان حاصل نمایند.

منابع

- خوشنود، زهرا و اسفندیاری، مرضیه. (۱۳۹۶). نظام حقوقی وثایق منقول در تأمین مالی کسب‌وکارها. بیست و هفتمین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی. تهران. پژوهشکده پولی و بانکی.
- Alvarez de la Campa, Alejandro. (2013). Secured Transactions and Collateral Registries Program: Access to Finance, International Finance Corporation. Available at: <http://www.ifc.org/wps/wcm/connect/436a9d804140468da92cbb3a095bf773>
- Asian Development Bank. (2014). Unlocking Finance for Growth: Secured Transactions Reform in Pacific Island Economies. Available at: <https://www.adb.org/sites/default/files/publication/42904/unlocking-finance-growth-pacific-island-economies.pdf>
- Calomiris, Charles W. and Larrain, Mauricio and Liberti, Jose Maria and Sturgess, Jason. (2016). How Collateral Laws Shape Lending and Sectoral Activity. Columbia Business School Research Paper, No. pp. 14-58.
- Innovation for Poverty Action. (2013). The Impact of Secured Transactions Reform on Access to Capital for Small and Medium Enterprises in Colombia. Available at: <https://www.poverty-action.org/printpdf/7491>.
- International Finance Corporation. (2013). IFC's Secured Transaction and Collateral Registry Program: Results Framework: Methods and Findings. Available at: <http://www.ebrd.com/downloads/legal/secured/campa2m.pdf>
- Investment Climate Advisory Services I World Bank Group. (2010). Secured Transactions Systems and Collateral Registries. Available at: <https://www.ifc.org/wps/wcm/connect/c5be2a0049586021a20ab719583b6d16/SecuredTransactionsSystems.pdf?MOD=AJPERES>.
- Love, Inessa and Pería, Maria Soledad Martinez and Singh, Sandeep. (2016). Collateral Registries for Movable Assets: Does Their Introduction Spur Firms' Access to Bank Finance? Journal of Financial Services Research, 49(1), pp. 1-37.
- Sultanov, Murat. (2017). Secured Transactions and Collateral Registry Reforms: Recent Developments in Africa, Middle East, Eastern Europe, Central and South Asia. World Bank Group. Available at:

<https://www.iiiglobal.org/sites/default/files/media/Pen%20Law%20Feb%2009%20Panel%201%20Msultanov%20final.pdf>.

- World Bank Group. (2016). Secured Transactions and Collateral Registries: Global Perspectives & Registry survey Results. Available at: <https://www.iaca.org/wp-content/uploads/World-Bank-Group-Survey-Results.pdf>.
- World Bank Group. (2017). Expanding Access to Finance for Small Scale Businesses Secured Transactions Reform: An Indonesia Case Study. Available at: <http://documents.worldbank.org/curated/en/319231483698846837/pdf/111735-WP-PUBLIC-ABSTRACT-SENT-by-Gillette-Conner.pdf>
- <https://data.worldbank.org>
- <https://www.doingbusiness.org./reports>